

مطالعه تطبیقی سیاست جنایی پلیس‌های ایران و کانادا در قبال

اطفال و نوجوانان در معرض خطر

حسنعلی مؤذن‌زادگان^۱، غلامحسن کوشکی^۲، محمد بارانی^۳، داود دعاگوپان^۴، حسین یاراحمدی^۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۰

از صفحه ۴۹ تا ۷۲

پژوهش‌نامه نظم و امنیت انتظامی، سال نهم،
شماره چهارم (بیای سی‌وششم)، زمستان ۱۳۹۵

چکیده

مقدمه: پایین‌آمدن سن بزهکاری یکی از دغدغه‌های مهم مقامات مسئول در حوزه امنیت اجتماعی است. بر این اساس شناسایی عوامل خطر و پیش‌بینی تدابیر حمایتی در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر مورد توجه خاص اولیای امور جامعه و نیروهای پلیس قرار گرفته است. در این تحقیق برآنیم ضمن مطالعه و تطبیق سیاست جنایی پلیس کانادا با ایران در قبال حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر، اقدامات پلیس ایران را در این خصوص بررسی نماییم.

روش: این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، اسنادی است. پژوهش حاضر با استفاده از مطالعات تطبیقی از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی، مقالات، پژوهش‌های لاتین و فارسی و مطالعه اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات، به‌صورت فیش‌برداری و با بررسی اسناد بین‌المللی، قوانین موضوعه کشور کانادا و ایران مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است.

یافته‌ها: در کشور کانادا ضمن تدوین قانون «عدالت کیفری جوانان»، ساختار جداگانه‌ای برای پلیس نوجوانان پیش‌بینی شده است. همچنین رویکردهایی نظیر اجرای برنامه مبارزه با مواد مخدر در مدارس (موسوم به D.A.R.E) و ایجاد افسر پلیس مدرسه، به پلیس در شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر کمک می‌کند. در حقوق ایران به دلیل تعارض مواد قانونی ۳۱ و ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و عدم اعطای اختیار به پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، پلیس ایران در قبال حمایت اطفال و نوجوانان در معرض خطر فاقد سیاست جنایی مشخصی است.

نتیجه‌گیری: در حقوق ایران به دلیل ناهماهنگی بین مواد قانونی ۳۱ و ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و عدم اعطای اختیار به پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، پلیس ایران در قبال حمایت اطفال و نوجوانان در معرض خطر فاقد سیاست جنایی مشخصی است.

کلیدواژه‌ها: اطفال، نوجوانان، عوامل خطر، سیاست جنایی اجرایی، در معرض خطر، پلیس ویژه.

۱- دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی و دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، (نویسنده مسئول) : Moazenzadegan@gmail.com

۲- دکترای حقوق کیفری و جرم‌شناسی و استادیار دانشگاه علامه طباطبائی (ره).

۳- دکترای حقوق و استادیار دانشگاه علوم انتظامی امین.

۴- دکترای علوم ارتباطات اجتماعی و دانشیار دانشگاه علوم انتظامی امین.

۵- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی (ره).



مقدمه

اهمیت توجه ویژه به اطفال به‌عنوان آینده‌سازان جامعه بر هیچ‌کس پوشیده نیست. در واقع تعالی و رشد هر جامعه در گرو تربیت و پرورش کودکان آن جامعه می‌باشد (حیدری و صفری کاکرودی، ۱۳۸۸: ۲۸۰). بر همین مبنا ملل مختلف دریافته‌اند که به دلایل متعددی نوجوانان نیازمند توجه ویژه‌ای از حیث رسیدگی^۱ در باب انحرافات و بزه‌هایشان هستند. نخست اینکه اطفال و نوجوانان نسبت به بزرگسالان^۲ آسیب‌پذیرتر بوده و نیازمند حمایت ویژه هستند. دوم اینکه رویکردهای متفاوت نسبت به رویکردهای به‌کار رفته در رسیدگی به پرونده‌های بزرگسالان، می‌تواند نتایج بهتری ارائه دهد. سوم اینکه روش‌های خاص رسیدگی ممکن است تناسب بیشتری با فرآیندهای تصمیم‌گیری و تمهیدات متعاقب اتخاذ شده برای افراد جوان داشته باشند (هزل، ۲۰۰۸: ۴۸).

اطفال و نوجوانان در تماس با قانون^۳ به گونه‌های مختلفی از قبیل معارض قانون^۴ (بزه‌کار)، بزه‌دیده^۵، در معرض خطر^۶ و شاهد^۷ جرم قابل تقسیم می‌باشند (بارانی، ۱۳۹۳: ۱۳). در قوانین ایران بدون ارائه تعریف خاصی از کلمه «نوجوان»^۸، طفل به کسی اطلاق می‌شود که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.^۹ با توجه به اینکه قانونگذار در ایران سن اطفال را بین ۹ تا ۱۵ سال تعیین کرده و رسیدگی به کلیه جرایم اشخاص زیر ۱۸ سال را بر عهده دادگاه‌های اطفال گذاشته، این‌گونه استنباط می‌شود که افراد بین ۱۵ تا ۱۸ سال را بتوان به‌عنوان نوجوان تلقی نمود.^{۱۰}

۱- Investigations

۲- Adult offenders

۴- Children and Juveniles In contact with the law

۵- Children and Juveniles Conflict the Law

۶- Children and Juveniles victims

۷- Children and Juveniles at Risk

۸- Children and Juveniles witness of Crime

۹- بر اساس شق الف بند ۲-۲ ماده ۲ حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوان (قواعد پکن)، نوجوان، کودک یا شخص جوانی است که ممکن است با وی برای تخلفی در چارچوب نظام‌های مربوطه به نحوی متفاوت از یک بزرگسال رفتار شود.

۱۰- تبصره ۱ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲ و تبصره ۱ ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی مصوب سال ۱۳۶۱-الحاقی سال ۱۳۷۰. در قانون اخیرالذکر، بلوغ شرعی برای دختران ۹ سال تمام قمری و برای پسران ۱۵ سال تمام قمری قرار داده شده است.

۱۱- با استنباط از مواد ۲۸۵ و ۲۸۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ و مواد ۸۹، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲.

اطفال و نوجوانان در معرض خطر^۱ کسانی هستند که به دلیل شرایط و اوضاع و احوال خاص رشد جسمانی، عقلانی، اخلاقی و وضعیت‌های اجتماعی به‌شدت در معرض خطر بزه‌دیدگی یا بزهکاری قرار دارند و چنانچه مداخله مؤثری برای حمایت از آنان صورت نگیرد حسب مورد، بزه‌دیده یا بزهکار خواهند شد. (بارانی، ۱۳۹۳: ۱۴) با این اوصاف در قوانین ایران تعریف مشخصی از اطفال و نوجوانان در معرض خطر ارائه نشده است. اما در مواد ۲ و ۳ لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان ضمن تعریف عبارات «در معرض خطر» و «وضعیت مخاطره‌آمیز»^۲، مصادیق وضعیت‌های مخاطره‌آمیز برای اطفال و نوجوانان بیان شده‌اند.

به‌واقع می‌توان گفت قرار گرفتن اطفال و نوجوانان در موقعیت‌های مخاطره‌آمیز، در بیشتر مواقع منجر به بروز رفتارهای منحرفانه و به‌دنبال آن سبب بزهکاری آنان خواهد شد. به‌عنوان مثال فرار از منزل یا مدرسه یک رفتار منحرفانه است که در صورت عدم برخورد با این گونه رفتارها، وقوع بزهکاری را به‌دنبال خواهد داشت. از منظر جرم‌شناسی، بزه عبارت از یک عمل ضداجتماعی و ضداخلاقی است که قانون آن را منع کرده و ناشی از فرآیندهای دارای ماهیت جامعه‌شناختی، زیست‌شناختی و روان‌شناختی است. انحراف^۳ در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی دور شدن از یک هنجار و پشت کردن به یک هنجار^۴ است.

به‌واقع «بزه» و «انحراف»، هر دو مصداق پشت کردن به یک هنجار اجتماعی هستند با این تفاوت که «انحراف»، دور شدن از هنجارهایی است که در جامعه و اخلاق اجتماعی دارای ضمانت اجرایی نظیر تقبیح و سرزنش است اما «جرم»، دور شدن از آن دسته از هنجارهای اجتماعی است که دارای وصف قانونی از یک سو و ضمانت اجرای کیفری از سوی دیگر است. (حیدری، ۱۳۸۳: ۱۷۲۴)

۱- تعاریف متعددی از اطفال و نوجوانان در معرض خطر، آمده است. برخی گفته‌اند: افرادی هستند که از نیازهای اساسی و کمک و حمایت قانونی محروم‌اند و در معرض سوءرفتار جسمی و جنسی یا مجازات غیرمنصفانه قرار دارند (معظمی، ۱۳۹۴: ۵۶).

۲- بند «ی» در معرض خطر: کودک یا نوجوانی که مشمول وضعیت مخاطره‌آمیز موضوع ماده سه این قانون قرار گیرد. بند «ک»: وضعیت مخاطره‌آمیز: اوضاع و احوالی است که در صورت عدم مداخله قانونی به منظور حمایت از کودک و نوجوان، موجب بزه‌دیدگی و یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا آموزش او خواهد شد.

۳- انحراف از کلمه «Via» به معنای «راه و طریق» گرفته شده و کلمه «انحراف» به معنای دور شدن و منحرف شدن از راه است.
۴- Move away From a Norm



سیاست جنایی^۱ به عقیده آن سلم فون فوئر باخ^۲، عبارت است از مجموعه‌ای از شیوه‌های سرکوبگرانه که دولت با توسل به آنها علیه جرم واکنش نشان می‌دهد (لازرز، ۱۳۷۵: ۹). می‌توان گفت امروزه سیاست جنایی نوین به‌جای استفاده صرف از روش‌های سرکوبگر، به اقدامات حمایتی در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر در جهت امنیت اجتماعی آنان و روش‌های مبتنی بر جبران خسارت و میانجی‌گری توجه دارد. به واقع پلیس با اقداماتی که در قبال از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در زمینه جلوگیری از احتمال بزهکاری یا بزه‌دیدگی آنان به انجام می‌رساند امنیت اجتماعی این قشر آسیب‌پذیر را ارتقا می‌بخشد. در این پژوهش برآنیم تا ضمن مطالعه و تطبیق سیاست جنایی پلیس کانادا با ایران در قبال حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر، اقدامات پلیس ایران را در این خصوص بررسی نماییم.

پیشینه و مبانی نظری

پیشینه

باقری‌نژاد (۱۳۸۸) در پژوهشی تحت عنوان «بررسی تطبیقی نقش پلیس در حمایت از کودکان شاهد جرم در فرآیند دادرسی کیفری» حمایت پلیس را از کودکان شاهد جرم در کلیه مراحل دادرسی و حتی پس از آن، از طریق اتخاذ رویکردهای حمایتی مختلف از کودک مورد بررسی قرار داده است. بارانی و جزینی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض قانون» سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران را تحلیل نموده‌اند. بارانی و کشفی (۱۳۹۱) در کتاب «آیین دادرسی کودکان و نوجوانان با تأکید بر نقش پلیس» استانداردهای رفتار پلیس را بررسی نموده‌اند. بارانی (۱۳۹۳) در کتاب «شیوه‌های رفتاری پلیس با کودکان و نوجوانان» بر ضرورت اتخاذ یک سیاست جنایی افتراقی پلیسی را تأکید نموده است. کشفی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و

۱- Criminal Policy

۲- Anselm Von Feuebach:

حقوق‌دان آلمانی‌الصل در سال ۱۸۰۳ میلادی در کتاب «حقوق کیفری» خود برای نخستین‌بار تعریفی از سیاست جنایی ارائه داده است.

نوجوانان» به ضرورت ارتباط بین پلیس با سایر دست‌اندرکاران امر پیشگیری از جرم تأکید شده است.

علاوه بر آثار فوق، منابع متعدد دیگری در ارتباط با این حوزه نگارش شده‌اند که در هیچ‌کدام از این منابع به موضوع سیاست جنایی پیشگیرانه پلیس در قبال اطفال و نوجوانان معارض قانون به صورت مستقیم پرداخته نشده است اما در ادامه کار به فراخور موضوعات مورد بحث، از مطالب مرتبط مندرج در آنها استفاده خواهد شد.

مبانی نظری

امروزه حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در سطح جهانی و قاره‌ای در قالب اسناد قطعنامه‌ها، کنوانسیون‌ها یا انجمن‌های بین‌المللی تبلور یافته است. (نجفی، ۱۳۸۶: ۵۶۲) به‌عنوان مثال در اکثر مواد کنوانسیون حقوق کودک به‌ویژه مواد ۲، ۳، ۴۰ و حتی مقدمه این کنوانسیون، قواعد ۱-۱، ۳-۱ و بند ۱۳ از مجموعه قواعد حداقل سازمان ملل درباره تشکیلات و چگونگی دادرسی صغار موصوف به "قواعد بیجینگ" (۱۹۸۵)، تمامی بندهای ۶۶ گانه مندرج در اصول راهبردی سازمان ملل برای پیشگیری از جرایم اطفال موصوف به "اصول ریاض" (۱۹۹۵)، قواعد حداقل سازمان ملل برای حمایت از اطفال محروم از آزادی، کنگره‌های پنج‌سالانه پیشگیری از جرم و اصلاح و درمان و انجمن جهانی بزه‌دیده‌شناسی، در خصوص حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر سخن گفته‌اند.

تاریخ تحولات حقوق کیفری نشان می‌دهد که سیاست جنایی در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر در طی ادوار گوناگون، متفاوت بوده است. هرچند پیروان مکتب کلاسیک اشاراتی در زمینه چگونگی به‌کارگیری راهکارهای پیشگیری ارائه نموده‌اند^۱ اما به جرأت می‌توان گفت تا قبل از مکتب تحقیقی، مبارزه با بزهکاری اطفال و نوجوانان جنبه کیفری داشته است و از زمان مکتب تحقیقی، با تشکیل شاخه‌ای دیگر از سیاست جنایی حمایت از اطفال آسیب‌پذیر و در معرض خطر در دستور کار قرار گرفته است.

۱- سزار بکاریا در سال ۱۷۶۴ میلادی در کتاب معروفش به نام «رساله جرایم و مجازات‌ها» با اختصاص فصل چهل و یکم از کتاب خود، با عنوان «چگونه از وقوع جرایم پیشگیری کنیم» در حقیقت بر ضرورت استفاده از اقدامات غیرقهرآمیز و خارج از نظام کیفری تأکید کرد. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: بکاریا، سزار (۱۳۷۴). رساله جرایم و مجازات‌ها، ترجمه دکتر محمدعلی اردبیلی، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. همچنین می‌توان به اظهارات ژرمی بنتام نیز در این خصوص اشاره نمود که با مطرح کردن عنوان «اقدامات مکمل کیفری» تأکید بر به‌کارگیری این برنامه‌ها را دارد.



رفتار افتراقی تا حد امکان غیرکیفری در جهت ارتقای امنیت اجتماعی اطفال و نوجوانان، با ظهور مکاتب چهارگانه موسوم به جرم‌شناسی‌های واکنش اجتماعی (تعامل‌گرایی یا برچسب‌زنی، مهندسی جرم، جرم‌شناسی رادیکال و بزه‌دیده‌شناسی) و بروز الگوهای نظیر عدالت ترمیمی و رفاه‌گرایی کیفری، مداخله نظام کیفری را در رسیدگی و سرکوب جرایم زیر سوال بردند که در ذیل به اختصار به این موضوعات می‌پردازیم.

الف- الگوی جرم‌شناسی واکنش اجتماعی:^۱ جرم‌شناسی واکنش اجتماعی یکی از شاخه‌های جرم‌شناسی است که با استفاده از رویکردهای چهارگانه خود با عناوین رویکرد تعامل‌گرا یا برچسب‌زنی، رویکرد جرم‌شناسی سازمانی یا تشکیلاتی (مهندسی جرم)، رویکرد جرم‌شناسی رادیکال و رویکرد جرم‌شناختی بزه‌دیده شناختی تأکید بر این موضوع دارند که تا حد امکان از ورود اطفال و نوجوانان به فرآیند دستگاه عدالت کیفری جلوگیری شود. در این نوع جرم‌شناسی جنبه‌های مختلفی به شرح ذیل مورد بررسی قرار می‌گیرند: (۱) عمل قانونگذاری (جرم‌انگاری و وضع مجازات)، (۲) کارکرد نهادهای پلیسی و ضابطان قضایی، (۳) کارکرد نهادهای قضایی، (۴) کارکرد نهادهای زندان و چگونگی اجرای مجازات.^۲

این نوع جرم‌شناسی با بیان این موضوع که عملکرد پلیسی، خود عاملی برای افزایش بزهکاری به‌خصوص در اطفال و نوجوانان می‌باشد بهترین حالت را برای مبارزه با این تهدید و ارتقای امنیت اجتماعی آنان، استفاده از راه‌کارهایی نظیر عدم مداخله و پیشگیری از ورود به دستگاه عدالت کیفری توصیه می‌کند.

ب- الگوی عدالت ترمیمی: این رویکرد از اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی در برخی کشورهای توسعه‌یافته جهان نظیر کانادا و آمریکا رواج یافته است. هوارد زهر^۳ معتقد است در این رویکرد، جرم پیش از آن که نقض قانون جزا تلقی شود نقض روابط میان-فردی و گسستن رابطه انسانی است (زهر، ۱۳۹۰: ۳۵).^۴

۱- Social Reaction Criminology

۲- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: تقریرات درس جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی) دکتر علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، تهیه و تنظیم محسن برهانی و امیرحمزه زینالی، ۱۳۸۳.

۳-Howard Zehr

۴- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

این الگو بر ضرورت اتخاذ تدابیر متوازن برای تأمین نیازهای بزه‌دیدگان، توجه به مسئولیت بزه‌کاران و مشارکت جامعه محلی در فرآیند رسیدگی و پاسخ به آثار و نتایج جرایم ارتكابی تأکید می‌کند (غلامی، ۱۳۹۲: ۹۹). در این الگو به دلیل اینکه جرم، اقدامی علیه روابط انسانی به‌شمار می‌رود عدالت ترمیمی در تکاپو جهت ترمیم و تقویت این روابط مختل شده می‌باشد (Toews, 2007: 156).

هدف اساسی عدالت ترمیمی، مشارکت دادن همه طرفین و ترمیم آثار روحی، جسمی، مالی و منزلتی بزه‌دیده است که در نتیجه وقوع و تحمل جرم، آسیب‌های گوناگونی دیده است.^۱ از آنجایی که یکی از اهداف دنبال شده در عدالت ترمیمی ممانعت از ورود بزه‌کار و بزه‌دیده به سیستم عدالت کیفری می‌باشد لذا به‌نوعی همین افراد که در معرض خطر تکرار بزهکاری یا بزه‌دیدگی قرار می‌گیرند را مورد حمایت قرار می‌دهد و استفاده از این الگوها توسط پلیس در فرآیند رسیدگی می‌تواند منجر به ارتقای امنیت اجتماعی اطفال و نوجوانان شود.

ج- الگوهای رفاه‌گرایی کیفری: رفاه‌گرایی کیفری^۲ بر ضرورت بازپروری بزه‌کاران و پیش از آن، اتخاذ رویکردهای حمایت‌گرانه از گروه‌های آسیب‌پذیر و در معرض خطر تأکید می‌کند (غلامی، ۱۳۹۰: ۱۰۴-۹۲). این رویکرد که اولین بار توسط کوهن^۳ مطرح شد بر سیاست‌های مختلفی از قبیل زندان‌زدایی، عدم برخورد توسط نظام عدالت کیفری رسمی و استفاده از مسیرهای جایگزین به‌منظور اجتناب از فرآیند انگ‌زنی^۴، برچسب‌زنی^۵ مجرمانه بر بزهکاری نوجوانان تأکید می‌کند (مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۵: ۳).

د- الگوی حداقل مداخله: این الگو متضمن توسل به حقوق کیفری به‌عنوان آخرین وسیله و در حداقل موارد ضروری است. (نوبهار، ۱۳۹۰: ۲۱) رعایت اصل حداقل مداخله، زمینه توسل به سایر نهادهای اصلاحی-تربیتی و نیز دیگر ابزارهای اجتماعی‌ساز

Zehr, Howard, *Changing Lenses: A New Focus For Crime and Justice* Scottdale, Pennsylvania: Herald Press 1990/75.

۱- برای مطالعه بیشتر رک به: غلامی، حسین، الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۶، ۱۳۹۲ و:

Sherman, L. & H. Strang, **Restorative Justice; The Evidence**, Smith Institute Pub, 2007, p. 23.

۲- Penal welfarism.

۳- Stanley Cohen

۴- Stigmatization

۵- labeling



شهروندان را فراهم خواهد نمود. زیرا مهارت‌های اجتماعی‌سازی غیرکیفری، جایگزین مناسب‌تری برای ابزارهای کنترل کیفری به‌شمار می‌روند (غلامی، ۱۳۹۲: ۹۷).

بر این اساس، توسعه صلاحیت مراجع غیرکیفری مانند مدارس در رسیدگی به بزه‌های خرد اطفال و نوجوانان، پیشگیری از وقوع جرایم، افزایش امکان مشارکت خانواده‌ها در قالب نشست‌های گروهی خانوادگی، گسترش امکان اعمال صلاحیت پلیس و دادسرا در عدم ارجاع برخی قضایای مربوط به بزهکاری اطفال به دادگاه، از جمله اقدامات مربوط به اجرای الگوی حداقل مداخله به‌شمار می‌رود (پردل، ۱۳۸۹: ۱۴۰).

در جدول شماره یک مؤلفه‌های مطرح شده در الگوهای فوق‌الذکر بیان می‌شود.

جدول شماره ۱: مؤلفه‌های سیاست جنایی پلیس بر مبنای مبانی نظری

الگو	مؤلفه
واکنش اجتماعی	پیشگیری از ورود اطفال به چرخه عدالت کیفری
عدالت ترمیمی	مشارکت دادن همه طرفین و ترمیم آثار روحی، روانی و مادی افراد
رفاه‌گرایی کیفری	اتخاذ رویکردهای حمایت‌گرانه از گروه‌های آسیب‌پذیر
حداقل مداخله	توسعه صلاحیت مراجع غیرکیفری مانند مدارس در رسیدگی به بزه‌های خرد اطفال و نوجوانان، پیشگیری از وقوع جرایم، افزایش امکان مشارکت خانواده‌ها در قالب نشست‌های گروهی خانوادگی

روش تحقیق

روش: این تحقیق از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، کیفی از نوع تحلیل محتوا است. پژوهش حاضر با استفاده از مطالعات تطبیقی از منابع کتابخانه‌ای، اینترنتی، مقالات، پژوهش‌های لاتین و فارسی و مطالعه اسناد بین‌المللی مرتبط با حقوق اطفال و نوجوانان انجام شده است. روش گردآوری اطلاعات، به‌صورت فیش‌برداری و با بررسی اسناد بین‌المللی، قوانین موضوعه کشورهای کانادا و ایران مورد بحث و تحلیل و پس از احصاء مؤلفه‌های بیان شده در الگوهای مبانی نظری، سیاست جنایی پلیس ایران و کانادا مورد تطبیق قرار گرفته است.

سیاست جنایی اجرایی پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق کانادا: در حقوق کانادا، پلیس، مسئول اجرای قانون و پیشگیری از بزه و انحرافات در جهت حفظ امنیت اجتماعی اطفال و نوجوانان در معرض خطر می‌باشد. جامعه به پلیس اختیارات فراوانی داده و بر همین مبنا از آنها انتظارات زیادی دارد. افسران پلیس در کانادا بر مبنای قوانین داخلی سه کارکرد را به شرح ذیل برعهده دارند:

الف- کارکرد اجرای قانون: این کارکرد، قدیمی‌ترین کارکرد پلیس به حساب می‌آید. بر این اساس، پلیس مکلف است بر مبنای قانون به کشف جرم، تحقیقات مقدماتی، دستگیری و بازداشت بزهکاران اقدام نماید.

ب- کارکرد حفظ نظم و امنیت: حفظ نظم در اجتماعات در طول مناسبت‌ها و راهپیمایی‌ها، از وظایف پلیس می‌باشد. به‌عنوان مثال در مسابقات ورزشی یا اعتصاب کارگران، حفظ نظم و امنیت بر عهده پلیس است.

ج- کارکرد حمایتی: این کارکرد پلیس در رابطه با جوانان از اهمیت بیشتری برخوردار است. اقدامات حمایتی نظیر مداخله پلیس در موارد مشکوک (بیرون بودن بچه به تنهایی، تنها بودن بچه داخل ماشین در هوای خیلی سرد و خیلی گرم و ...)؛ مواردی که امنیت بچه به خطر می‌افتد (ن بستن کمربند ایمنی برای بچه داخل خودرو)؛ سوءرفتار با کودکان نظیر تنبیه فیزیکی بچه‌ها به‌طوری که بچه در معرض آسیب جدی باشد؛ فرار کودکان از مدارس و خانه، نشست و برخاست کودکان با افراد بزرگسال دارای سوءسابقه و مصادیقی از این قبیل می‌باشد. از آنجایی که سهل‌انگاری در تربیت فرزند و البته سوءاستفاده، زمینه‌ساز بروز تخلف از سمت فرزندان می‌شود در نتیجه به پلیس این اختیار داده شده است تا در موارد غیرجنایی مانند فرار از خانه، رفت‌وآمدهای غیرمجاز و ... دخالت نموده تا از بروز تخلفات جدی‌تر پیشگیری نماید.



۱) رویکردهای ارتباط پلیس کانادا با جوانان

پلیس کانادا در برخورد با دامنه وسیعی از انحرافات و جرایم اطفال و نوجوانان، بیشتر از دو کارکرد حمایتی و اجرای قانون استفاده می‌کند. صرف‌نظر از جدیت در رفتار پلیس، نحوه مواجهه پلیس با نوجوانان می‌تواند تفاوت چشمگیری در رابطه پلیس و جوانان داشته باشد. شرم‌انگیز یادآوری می‌کند که رفتار بد افسران پلیس خود می‌تواند عامل به‌وجودآورنده جرم باشد (Sherman, ۱۹۹۷: ۳۸). فریدمن و همکاران این نکته را یادآور شده‌اند که رابطه بین پلیس و جوانان یک رابطه دو طرفه است. (Friedman et al, ۲۰۰۴: ۶۹) از آنجایی که کار با جوانان یک موضوع چالش‌برانگیز می‌باشد اداره پلیس از افسرانی که با فرهنگ‌های مختلف آگاهی دارند برای تعامل با جوانان استفاده می‌کند. به‌منظور بهبود رابطه بین پلیس و جوانان و حمایت از امنیت اجتماعی اطفال و نوجوانان در معرض خطر در کانادا، پلیس بسته به نوع موقعیتی که در آن قرار دارد از رویکردهای ذیل استفاده می‌کند.

۱-۱) **جامعه پلیسی^۱**: جامعه پلیسی یک راهبرد جدید است که در سال ۱۹۹۰ ارائه شد و بر اساس آن شهروندان در همکاری با پلیس به کاهش تخلفات کمک می‌کنند. در حقیقت پیشنهاد دهندگان این روش معتقدند که پلیس می‌باید راهی بیاید که توسط آن با همکاری شهروندان قانون‌مدار علاوه بر افزایش سطح کیفیت زندگی جامعه، به حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و کاهش جرایم آنان کمک کند. جامعه پلیسی تحولی بزرگ در ساختار اجرای قانون در کانادا به حساب می‌آید (Trojanowicz & Bucqueroux, ۲۰۰۷: ۵۱).

۱-۲) **جامعه مشارکتی**: در این روش، نهادهای مجری قانون با همکاری سازمان‌ها و اشخاص، برای افزایش اعتماد به پلیس در جهت حمایت از جوانان در معرض خطر و افزایش امنیت اجتماعی آنان فعالیت می‌کنند.

۱-۳) **حل مسئله**: در این روش، مشکلات حقوقی جامعه، به صورت سیستماتیک مورد بررسی قرار می‌گیرد و برای هر مشکلی راه‌حل‌های موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. اداره پلیس و وزارت دادگستری کانادا، کارایی این روش را در حل مشکلات کاهش تخلفات در مقایسه با روش‌های سنتی بسیار چشمگیر توصیف نموده است.

۱- Community policing

۴-۱) رویکرد D.A.R.E.^۱

مهم‌ترین برنامه‌ای که در خصوص رابطه جوانان با پلیس وجود دارد D.A.R.E می‌باشد. افسران جوان می‌بایست چندین هفته آموزش ببینند تا بتوانند در این برنامه شرکت کنند. D.A.R.E یک برنامه ویژه است که شامل سخنرانی، کتاب تمرین، جلسات پرسش و پاسخ و محصولات فرهنگی است و با همکاری پلیس و آموزش و پرورش کانادا برای دانش‌آموزان اجرا می‌شود. در این برنامه افسر پلیس با یونیفورم نظامی برای آموزش دانش‌آموزان دبستانی در کلاس شرکت می‌کند. براساس تحقیقات انجام شده، این رده سنی به دلیل اینکه در معرض خطر استفاده از مواد مخدر می‌باشند بهتر از سایر رده‌های سنی پذیرای پیام‌های این آموزش هستند. مهم‌ترین هدف این برنامه آموزش دادن به کودکان است تا بتوانند در مقابل پیشنهاد مصرف مواد مخدر نه بگویند (۹۶: Ennett, Tobler, Ringwalt, & Flewelling, ۱۹۹۴).

۵-۱) رویکرد افسران پلیس مدرسه

برخی مدیران مدرسه با استخدام افسران پلیس، آنها را به صورت تمام‌وقت یا پاره‌وقت به کارگیری می‌کنند. این شیوه، بیشتر در مدارس درون‌شهری و یا مدارس که در آنها نرخ جرایم بالا بوده مشاهده شده است. افسران ضابط مدرسه، مسلح نیستند و البته کارکرد اجرای قانون و گشت‌زنی نیز ندارند. آنها بیشتر برای پیشگیری از جرم، ارتقای امنیت اجتماعی دانش‌آموزان و آموزش آنان در مدرسه حضور دارند. افسران ضابط مدرسه می‌توانند کارکردهایی نظیر مشاوره، نصیحت و گفتگو و ارائه نکات آموزشی به دانش‌آموزان برای پیشگیری از مصرف الکل و مواد مخدر، آموزش نکات پلیسی به کارمندان و والدین در مقابل جرایم مختلف، تلاش برای افزایش امنیت مدرسه؛ جلب اعتماد دانش‌آموزان و آگاه کردن آنها برای مقابله با قلدری دیگران، مصرف مواد مخدر و الکل، بررسی و ثبت جرایم و حفظ نقش خود به‌عنوان ضابط بین مراجع قضایی و مراکز آموزشی را داشته باشند.

در واقع در کانادا مدیران مدرسه با دقت، انحرافات و بزهکاری‌های اتفاق افتاده در مدرسه را رصد می‌نمایند و در صورت افزایش آنها، از پلیس برای کنترل اوضاع استفاده

^۱- Drug Awareness Resistance Education



می‌کنند. در کلان‌شهرها به‌منظور پیشگیری از جرایم، یک بخش در اداره پلیس با عنوان پلیس مدرسه وجود دارد. مطالعات نشان می‌دهد که افسران مدرسه نقش چشمگیری در برقراری نظم و پیشگیری از وقوع بزهکاری و انحراف را در مدارس دارند. (Johnson, ۱۹۹۹:۳۹)

۱-۶) رویکرد اجرای قوانین پیشگیرانه محدودیت رفت‌وآمد^۱

برخلاف دو روش قبلی یعنی D.A.R.E و افسر پلیس مدرسه که در آنها پلیس تلاش می‌کرد تا با افزایش ارتباط خود با جوانان به کاهش تخلف کمک کند در این روش با اجرای قوانین سخت‌گیرانه، به پیشگیری از وقوع بزه و انحراف کمک می‌شود. هدف از اجرای این قوانین، مصون نگه‌داشتن اطفال و نوجوانان در معرض خطر انحراف و بزهکاری است. اگرچه این موضوع در قانون اساسی یک موضوع چالش برانگیز بوده است ولی در برخی مواقع به والدینی که نگران فرزندانشان هستند کمک فراوانی می‌کند تا بتوانند آنها را پایش کنند. به‌واقع پلیس از طریق بازداشتن نوجوانان از ورود به موقعیت‌های مشکل‌زا، کمک می‌کند تا در معرض خطر قرار نگیرند.

این قوانین برای نوجوانان زیر شانزده سال اجرا می‌شود. بر این اساس، نوجوانان زیر چهارده سال حق ندارند که بعد از ساعت ده شب در خیابان باشند و برای بچه‌های پانزده و شانزده سال، این زمان تا ساعت یازده شب تعیین شده است. در صورت بروز تخلفی از نوجوانان، مجازاتی در بر ندارد. واکنش پلیس در مقابل این‌گونه تخلفات، شامل برگرداندن نوجوان به خانه، تماس با والدین، بردن نوجوان به درب خانه و نگه‌داشتن آنها در اقامتگاه‌های موقتی می‌باشد. نتایج متفاوتی از اجرای این قانون مشاهده شده است. برخی محققان معتقدند این قانون در پیشگیری از ارتکاب انحراف و بزه اطفال و نوجوانان در معرض خطر و مصون نگه‌داشتن آنان بسیار مؤثر بوده است (McDowall, ۲۰۰۰:۴۸). در حالی که برخی دیگر بر این باورند که این روش تأثیری بر کاهش جرایم نداشته است. چرا که برخی مطالعات نشان داده که بیشترین نرخ جرایم مربوط به همان ساعات ممنوعه می‌باشد.^۲

۱- Curfew

۲- برای مطالعه بیشتر ر.ک به:

Melissa Sickmund Howard N. (۲۰۰۶). Snyder Eileen Poe-Yamagata Juvenile Offenders and Victims Update on Violence.

Reynolds, K. M., Seydlitz, R., & Jenkins, P. (۲۰۰۰). Do juvenile curfew laws work? A time-series analysis of the New Orleans law. Justice Quarterly, ۱۷(۱), ۲۰۵-۲۳۰. doi:۱۰.۱۰۸۰/۰۷۴۱۸۸۲۰۰۰۰۹۴۵۳۱.

در برخی از شهرها پلیس تلاش می‌کند قانون منع آمدوشد را بلافاصله پس از تعطیلی از مدارس به اجرا در بیاورد. اما مشکل این روش این است که اجرای این قانون موجب آزار و اذیت نوجوانانی می‌شود که به دلایلی بعد از تعطیلی مدرسه مجبور هستند که در خیابان تردد داشته باشند (Andre, Carter ۲۰۰۱:۲۴).

۲) عملکرد پلیس در مواجهه با جوانان در معرض خطر

به دلیل اینکه برخی مواقع اطفال و نوجوانان از روی ناآگاهی مرتکب بزه می‌شوند لذا نوع تصمیم‌گیری پلیس در خصوص این افراد که به نوعی در معرض خطر بزهکاری مجدد قرار دارند بسیار مهم است. بر اساس حقوق کانادا، پلیس مجاز است این افراد را متوقف، بازجویی و توقیف کند و یا به مراکز تربیتی تحویل نماید. پلیس همچنین مطابق قانون YCJA^۱ (قانون عدالت کیفری جوانان) این اختیار را دارد که جوانان را به خاطر فرار از مراکز تربیتی، ولگردی و فرار از خانه و مدرسه، ارتکاب بزه‌های کم‌اهمیت و بسیاری موارد دیگر دستگیر نماید. در کانادا در هر استان برای هر رده سنی از نوجوانان یک گد اختصاص داده شده که نوع برخورد با جوانان بزهکار بر اساس کدهای تعیین شده است. این کد، جوانان را در مقابل قضاوت‌های اشتباه محافظت می‌کند.

هدف از تعریف این کد، محافظت از جوانان در مقابل قضاوت‌های اشتباه و تحکیم جایگاه والدین برای محافظت از کودکان می‌باشد (Sanborn & Salerno, ۲۰۰۵:۱۳۲). البته در بسیاری از مواقع، انحرافات یا جرایم کوچکی که جوانان مرتکب می‌شوند ناشی از عدم آگاهی آنها و والدینشان نسبت به آن می‌باشد.

پلیس اختیارات بسیار زیادی در برخورد با جوانان دارد. دامنه این اختیارات شامل تذکر دادن، آزاد کردن، بازداشت کردن و معرفی کردن به دادگاه می‌باشد. در بیشتر موارد برخورد پلیس با جوانان برخورد غیررسمی می‌باشد و تنها درصد کمی از تخلفات هستند که پلیس تشخیص می‌دهد که جوان متخلف را به دادگاه معرفی کند. همان‌طور که در قبل اشاره شد بیشتر برخورد پلیس و جوانان شامل موارد غیرجنایی می‌شود که شامل بی‌نظمی در اماکن عمومی (۲۲٪)، تخلفات راهنمایی و رانندگی (۱۴٪)، درگیری غیر جرحی (۹٪)، موارد مشکوک (۴٪) و تنها یک چهارم از جرایم آنها جرایم خشونت‌آمیز

^۱- youth criminal justice Act



می‌باشد. بر اساس آمارهای منتشر شده ۲۰ درصد از جوانان متخلف به اورژانس‌های اجتماعی اجرای قانون معرفی شده‌اند و تنها حدود هفت درصد مستقیم به دادگاه معرفی شده‌اند.

۳) فاکتورهای توقیف جوانان توسط پلیس

پلیس گاهی اوقات به منظور پیشگیری از وقوع انحراف و بزه از سوی اطفال و نوجوانان در معرض خطر، حفظ امنیت اجتماعی و محافظت از آنها، ناچار است در صورت ارتکاب انحراف و یا بزه، آنان را برای مدتی توقیف کند. فاکتورهایی که پلیس بر مبنای آنها، مجاز به توقیف جوانان در معرض خطر می‌باشد عبارتند از:

۳-۱) **فاکتورهای قانونی:** که خود به دو دسته، یکی عوامل مرتبط با جرم (نوع جرم، اهمیت جرم، استفاده از اسلحه و شواهد لازم برای اثبات جرم در دادگاه) و دیگری عوامل مرتبط با سوء سابقه جوان قابل تقسیم است.

۳-۲) **فاکتورهای فراقانونی:** فاکتورهایی هستند که ارتباط مستقیم با جرم ندارند ولی پلیس با استفاده از آنها اقدام به برخورد با جوانان در معرض خطر و اتخاذ تصمیم در مورد آنان می‌کند. انواع متعددی از فاکتورهای فراقانونی وجود دارد. این فاکتورها عبارت‌اند از: فاکتورهای مرتبط با مجرم (سن، جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی، رفتار، ظاهر، شرایط (مستی)، امتناع از پاسخ‌گویی به سوالات و مقاومت کردن در برابر بازداشت)؛ فاکتورهای مرتبط با بزه‌دیده (توانایی تشخیص مجرم، تمایل به پیگیری مسئله، میزان اهمیت فرد در جامعه، طبقه اجتماعی، جنس، سن و نژاد)؛ عوامل مرتبط با حوزه استحفاظی و محل وقوع جرم (اندازه جرم، سطح گشت‌زنی پلیس، سطح اجتماعی و اقتصادی، ساختار شهر و محله از نظر بافت، آیا مجرم اهل همان محل هست و وجود شاهد)؛ فاکتورهای مرتبط با والدین یا خانواده (وضعیت رفتاری والدین، زندگی کردن با خانواده یا زندگی مجردی و عدم تمایل والدین برای حضور در کلانتری) و فاکتورهای مرتبط با افسر (سن، جنس، نژاد، طبقه اجتماعی، میزان تجربه، حجم کار افسر، دیدگاه افسر به سیستم زندگی جوانان).

به طور کلی سیستم تصمیم‌گیری افسران پلیس می‌بایست منطبق بر قانون باشد. لکن تشخیص پلیس به آنها اجازه می‌دهد که جوانان را حتی اگرچه جرم او محرز باشد

دستگیر نکند. در واقع افسران پلیس تصمیم‌گیری خود را بر اساس میزان خطرناک بودن جرم ارتكابی اتخاذ می‌نمایند. هرچند در اکثر مواقع آنها بر اساس دیدگاه شخصی خود در مورد رفتار جوانان تصمیم‌گیری می‌کنند. (۱۶: ۲۰۱۰، Chesney-Lind, Armstrong).

محققان تأثیر نژاد بر تصمیم‌گیری افسران پلیس را نشان داده‌اند. جوانان سیاه‌پوست آفریقایی-آمریکایی در مقایسه با سفیدپوست‌ها بیشتر مرتکب جرایم می‌شوند. شواهدی دال بر برخورد نژادپرستان پلیس با اقلیت‌های نژادی وجود دارد (Wolfgang, Figlio, Sellin, ۲۰۰۹:۲۵۲). مری موراش دریافت که جوانان با سن بیشتر و دارای سوء‌پیشینه، بیشتر به دادگاه معرفی می‌شوند (Morash ۲۰۰۷:۱۱۲). البته رفتار و قیافه از عوامل شاخص تأثیرگذار بر تصمیم پلیس هستند.

۴) مراحل برخورد پلیس کانادا با اطفال و نوجوانان در معرض خطر

همان‌طور که گفته شد برای حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر و حفظ امنیت اجتماعی آنان، گاهی اوقات ممکن است پلیس در صورت وقوع انحراف یا بزه از سوی آنان و پیشگیری از تکرار رفتار ممنوعه توسط آنها، به جای اینکه او را به دادسرا معرفی کند به اورژانس‌های اجتماعی، اداره خدمات جوانان و یا به یک برنامه مشابه دیگر معرفی نماید. پلیس ممکن است مطابق قانون YCJA، یکی از رفتارهای ذیل را از خود بروز نماید:

۴-۱) سوال پرسیدن و هشدار: حداقل برخورد پلیس با یک جوان این است که در هنگام بروز تخلف از نوجوان، بدون اینکه او را بازداشت کند فقط به او تذکر دهد.

۴-۲) احضار به کلانتری: پلیس می‌تواند نوجوان را احضار کند، تخلف مرتکب شده را ثبت کند و یا او را به مراجع رسمی یا والدینش تحویل دهد. معمولاً بعد از احضار جوان، از والدینش خواسته می‌شود تا در کلانتری حاضر شوند. در شهرهای کوچک جوان تحت نظارت یک افسر پلیس برای مدت معینی قرار می‌گیرد.

۴-۳) تحویل به اورژانس‌های مبارزه با رفتارهای منحرفانه: پلیس ممکن است که نوجوان را به اداره خدمات جوانان، مراکز مبارزه با فرار کودکان و اورژانس سلامت روان کودکان تحویل دهد.



۴-۴) تحویل نوجوانان بزهکار به اداره خدمات اجتماعی به جای سیستم قضایی: در صورتی که جوان برای اولین بار مرتکب جرمی شده باشد پلیس، او را به جای معرفی به دادگاه، به اداره خدمات اجتماعی تحویل می‌دهد تا شرایط وی بررسی و آموزش‌های لازم به وی داده شود.

۴-۵) تحویل به بازداشتگاه: افسر پلیس می‌تواند بر مبنای فاکتورهایی که در بالا اشاره شد با صدور احضاریه برای نوجوان، او را به دادگاه معرفی کند و سپس او را به بازداشتگاه تحویل دهد. اگر بازداشتگاه به هر دلیلی دارای محدودیت در پذیرش او باشد یا خانواده نوجوان حضور پیدا نکنند وی به مراکز نظارت و مراقبت تحویل داده می‌شود. این مراکز مراقبت می‌تواند یک خانه اختصاصی باشد یا برای گروهی از جوانان با وضعیت مشابه اختصاص داده شده باشد. در شهرهایی که مراکز مراقبت و تحویل همچنین امکان تحویل جوان به خانواده‌اش وجود ندارد به شهر دیگری که مرکز کنترل و مراقبت دارد منتقل می‌شود. همچنین دولت تمایل دارد جوانان بزهکار را به جای بازداشت در خانه یا زندان به مراکز مراقبت نظارت و مراقبت تحویل بدهد.

در جدول شماره دو خلاصه سیاست جنایی پلیس کانادا در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر بیان شده است.

جدول شماره ۲: سیاست جنایی پلیس کانادا در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر

رویکردها و مراحل ارتباط پلیس با اطفال	سیاست جنایی پلیس کانادا
رویکردهای ارتباطی پلیس	جامعه پلیسی، جامعه مشارکتی، حل مسئله، افسران پلیس مدرسه، اجرای قوانین پیشگیرانه محدودیت رفت‌وآمد، اجرای برنامه‌های آموزشی در جهت مبارزه با مواد مخدر
مراحل برخورد پلیس با اطفال و نوجوانان در معرض خطر	سؤال پرسیدن و هشدار، احضار به کلانتری، تحویل به اورژانس‌های مبارزه با رفتارهای منحرفانه، تحویل نوجوانان بزهکار به اداره خدمات اجتماعی به جای سیستم قضایی، تحویل به بازداشتگاه

سیاست جنایی اجرایی پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران: با نگاهی به تاریخچه قانونگذاری در ایران مشاهده می‌شود در ۹۰ سال گذشته سیاست جنایی ایران در حوزه تقنینی و به تبع آن سیاست جنایی اجرایی پلیس ایران دستخوش فراز و نشیب‌هایی شده است. اما باید گفت از سال ۱۳۰۴ تاکنون در خصوص افتراقی

نمودن سیاست جنایی اجرایی در قبال اطفال و نوجوانان چه از منظر شکلی و چه از نظر ماهوی پیشرفت چشمگیری حاصل نشده است.^۱

قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۰۸/۲۷ طی ۳۳ ماده در جهت افتراقی کردن مرحله دادرسی برای اطفال و نوجوانان اقدام نموده اما در همین قانون^۲ و قوانین بعد از آن نظیر قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری^۳ در خصوص وظایف ضابطان دادگستری در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر هیچ سخنی به میان نیامده است. به واقع تا زمان تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، هیچ‌گاه در قوانین ایران به‌طور جدی به تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و وظایف آنان در قبال این قشر آسیب‌پذیر اشاره‌ای نشده است. با وجود اینکه در ماده ۳۱ قانون اخیر، بر تأسیس پلیس ویژه اطفال تأکید شده اما در مواد بعد از آن نظیر ماده ۲۸۵ و تبصره‌های آن رسماً با تبعیت از قوانین گفته شده، کلیه وظایف و اختیارات ضابطان دادگستری به دادگاه اطفال واگذار شده است.

از طرفی با مطالعه ساختار نظام پلیسی ایران و بررسی قوانین مربوطه نظیر قانون ناجا مصوب ۱۳۶۹، قانون حمایت از کودکان مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۱۱ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، در خصوص اختیارات و وظایف پلیس در قبال اطفال و نوجوانان سکوت اختیار شده است. هرچند تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، پلیس با تشکیل دواپری در کلانتری‌ها تحت‌عنوان مراکز مشاوره به امور اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌نموده و در برخورد با اطفال و نوجوانان به استناد بندهای ۱۷ و ۱۸ ماده ۴ قانون ناجا تلاش نموده تا با همکاری سایر سازمان‌ها نظیر بهزیستی و شهرداری‌ها به نوعی اقداماتی را به انجام برساند اما هیچ‌گاه در خصوص تدابیر حمایتی در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر، اختیارات قانونی به پلیس اعطا نشده است.

۱- برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به مؤذن‌زادگان، حسنعلی؛ (۱۳۸۷)، سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، تهران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۳-۶۲.

۲- ماده ۶ قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۰۸/۲۷.

۳- ماده ۲۲۱ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸.



بنابراین با توجه به مطالب گفته شده می‌توان گفت قانونگذار بر خلاف مداخله قضایی که از یک منطق و سیاست جنایی افتراقی در قبال اطفال و نوجوانان تبعیت نموده، در خصوص سیاست جنایی افتراقی مداخله پلیسی به طور عام و سیاست جنایی اجرایی حمایتی پلیس به طور خاص در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر سکوت اختیار نموده است.

تنها روزنه‌ای که بارقه‌های امید را در خصوص پرداختن به وظایف، اختیارات و ساختار پلیس اطفال و نوجوانان زنده می‌کند لایحه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان می‌باشد که ضمن تخصیص فصل چهارم خود تحت‌عنوان تدابیر و اقدامات حمایتی، در مواد مختلفی از جمله ماده ۱، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۲۲ و ۳۶، وظایف و اختیارات پلیس و برخی اشخاص حقیقی و حقوقی مرتبط، در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر پیش‌بینی شده است. در جایی دیگر در فصل دوم پیش‌نویس لایحه تشکیل پلیس اطفال، بخشی تحت‌عنوان ساختار و سازمان، در شش ماده (از ماده ۱۰ تا ۱۵) کلیاتی راجع به شرایط و چگونگی جذب نیرو و ساختار پیشنهادی در این پلیس ویژه بیان شده است. در این پیش‌نویس، ساختار پلیس ویژه اطفال شامل ستاد پلیس ویژه، واحد مددکاری اجتماعی، واحد حمایت از بزه‌دیدگان، واحد پیشگیری پیش‌بینی شده است. (کوشکی، ۱۳۹۴: ۲۰۱)

این‌گونه اقدامات در عرصه قانونگذاری در ایران و عدم شفاف‌سازی قانونگذار در تبیین سیاست جنایی اجرایی پلیس باعث شده تا پلیس در ارتباط با اطفال و نوجوانان با ابهاماتی مواجه شود و در عمل برای رهایی از این ابهامات دست به اقداماتی بزند که از آن به آزادی عمل^۱ پلیس یاد می‌شود.

آزادی عمل در واقع یک نوع اختیار است که در خصوص اجرای قوانین کیفری به دلیل ابهامات قانونی توسط سهامداران عدالت کیفری اجرا می‌شود. فرهنگ لغت sage کلمه Discretion (آزادی عمل) را به این شکل تعریف نموده است: «قدرتی که در حوزه عدالت کیفری به افراد اعطا می‌شود تا با استفاده و استناد به قضاوت و صلاح‌دید خودشان در شرایط پیش آمده تصمیم بگیرند.» (Mc Laughlin, ۲۰۰۳: ۹۵-۹۶)

۱- Discretion

مصادیق استفاده پلیس از آزادی عمل عبارتند از: بی‌توجهی پلیس در قبال انحرافات و رفتارهای کجروانه اطفال و نوجوانان در معرض خطر، نگهداری موقت این قشر آسیب‌پذیر در کلانتری، تحویل آنان به بهزیستی‌ها و شهرداری‌ها و... که این اقدامات، هرچند ممکن است در برخی مصادیقش، حمایت محسوب شود ولی تا زمانی که در این خصوص تکلیف و اختیار قانونی پلیس به‌صورت شفاف در قانون تعریف نشده باشد احتمال بزه‌دیدگی و بزهکاری اطفال و نوجوانان اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در جدول شماره سه سیاست جنایی پلیس ایران در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر به‌طور خلاصه نشان داده می‌شود.

جدول شماره ۳: سیاست جنایی پلیس ایران در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر

سیاست جنایی پلیس ایران	رویکردها و مراحل ارتباط پلیس با اطفال
در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ در ارتباط با رویکردهای ارتباطی پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر به‌صورت افتراقی سخن به میان نیامده است.	رویکردهای ارتباطی پلیس
در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ تکلیفی برای پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر بیان نشده است.	مراحل برخورد پلیس با اطفال و نوجوانان در معرض خطر

بحث و نتیجه گیری

باوجود ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ مبنی بر تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، به دلیل نبود زیرساخت‌های لازم برای اجرای آن، این قانون تا تاریخ ۱۳۹۴/۰۴/۰۱ اجرایی نشد. اما باید گفت نه تنها بسیاری از زیرساخت‌های مربوط به اجرایی شدن قانون فوق از جمله ماده اخیرالذکر فراهم نگردیده بلکه به نظر می‌رسد با وجود ماده ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری و تبصره‌های آن حتی اگر لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان به تصویب برسد پلیس هیچ‌گونه اختیاری در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر نخواهد داشت.

مطالعه تطبیقی قوانین کشور کانادا در حوزه اطفال و نوجوانان نشان می‌دهد که این کشور ضمن بهره‌گیری از علوم مختلفی نظیر جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و جرم‌شناسی، نسبت به تأسیس پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و ارائه آموزش‌های تخصصی به آنان اقدام



نموده است. در این کشور ضمن تدوین دو قانون مربوط به اطفال و نوجوانان (در فاصله ۱۹ سال) تحت‌عنوان قانون مجرمین جوان «YOA»^۱ و قانون عدالت کیفری جوانان «YCJA» نقش‌آفرینان حوزه دادرسی اطفال شامل مرکز جوانان پلیس، مؤسسات مبتنی بر جامعه، هماهنگ‌کننده دادرسی کودکان و مددکاران اجتماعی آنان تأسیس شده‌اند. در این قوانین، ضمن تبیین کارکرد، وظایف و اختیارات پلیس کانادا در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر، راهکارهای ارتباطی پلیس با جوانان بر مبنای جامعه پلیسی، جامعه مشارکتی و راهبرد حل مسئله به‌طور شفاف آمده است. همچنین رویکردهایی نظیر D.A.R.E و افسر پلیس مدرسه، به پلیس در شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر کمک می‌کند. از طرفی پلیس با استفاده از تدوین و اجرای ضوابط پیشگیرانه محدودکننده برای اطفال و نوجوانان، با تعیین فاکتورهای قانونی و فراقانونی چگونگی نحوه برخورد با جوانان، را مشخص نموده است. به‌طوری که با تعریف فرآیند نحوه ارتباط پلیس با نوجوانان در معرض خطر، با در نظر داشتن قوانین تصویری مربوطه طی ۵ مرحله: هشدار، احضار به کلانتری، تحویل به اورژانس‌های مبارزه با رفتارهای منحرفانه، تحویل نوجوانان بزهکار به اداره خدمات اجتماعی به‌جای سیستم قضایی و در صورت نیاز تحویل به بازداشتگاه برخورد پلیس با این قشر آسیب‌پذیر تعریف شده است.

در جدول شماره چهار، تفاوت‌های سیاست جنایی پلیس ایران و کانادا نشان داده شده است.

جدول شماره ۴: تفاوت‌های سیاست جنایی پلیس کانادا و ایران در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر

کشور	مؤلفه
ایران	کانادا
قضازدایی پلیسی	برابر قانون اختیار قضازدایی به پلیس اعطا شده است.
توسعه صلاحیت مراجع غیرکیفری	پلیس برابر ماده ۴ قانون ناجا، اجرای برخی برنامه‌های پیشگیری را در جامعه به‌خصوص اطراف مدارس به انجام می‌رساند.
اتخاذ رویکرد حمایت‌گرایانه از اطفال در معرض خطر	پلیس از طریق رویکردهای ارتباطی تعریف شده، از اطفال و نوجوانان در معرض خطر حمایت می‌کند.
قضازدایی پلیسی	برابر قانون، اختیار قضازدایی به پلیس اعطا نشده است.
توسعه صلاحیت مراجع غیرکیفری	پلیس برابر ماده ۴ قانون ناجا، اجرای برخی برنامه‌های پیشگیری را در جامعه به‌خصوص اطراف مدارس به انجام می‌رساند.
اتخاذ رویکرد حمایت‌گرایانه از اطفال در معرض خطر	پلیس از طریق رویکردهای ارتباطی تعریف شده، از اطفال و نوجوانان در معرض خطر حمایت می‌کند.

۱- Young Offenders Act.



کشور	مؤلفه
کانادا	از طریق رویکرد جامعه مشارکتی و احضار طرفین و خانواده‌های آنان، تلاش در جهت حل و فصل دعاوی به‌وسیله مشارکت دادن اطفال دارد.
ایران	در مواد ۴۹ و ۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲، بر پلیس تکلیف شده است تا در صورت وقوع جرم، به خانواده افراد اطلاع دهد. ولی این به معنای مشارکت دادن اطفال نیست.

از آنجایی که برابر تجربه کشورهای موفق در زمینه تأسیس پلیس ویژه اطفال، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای مربوط به اقدامات حمایتی و پیشگیرانه پلیس در قبال اطفال و نوجوانان در معرض خطر می‌باشد لذا در این خصوص پیشنهادهایی توسط نگارنده به شرح ذیل ارائه می‌شود:

- ۱) تصویب قانون تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و شفاف‌سازی ساختار، وظایف و اختیارات پلیس در زمینه برخورد با کلیه اقسام اطفال و نوجوانان؛
- ۲) تدوین یک مجموعه قوانین جامع در خصوص وظایف و اختیارات کلیه سازمان‌ها از جمله پلیس در قبال اطفال در تماس با قانون در جهت حمایت از حقوق آنان؛
- ۳) گسترش باور و اعتقاد به اصول بین‌المللی نزد کارگزاران قوه قضاییه در زمینه اعطای اختیارات به پلیس در قبال کلیه گونه‌های اطفال و نوجوانان به‌ویژه در معرض خطر؛
- ۴) بازنگری دقیق مفاد پیش‌نویس لایحه تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان و تبیین دقیق ساختار قانونی آن ۱۳۹۲؛
- ۵) تعارض‌زدایی از برخی مواد قانونی در حوزه پلیس ویژه اطفال و نوجوانان نظیر ماده ۳۱ و ۲۸۵ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲؛
- ۶) الگوبرداری از قوانین و مقررات خاص پلیس اطفال کشورهای پیشرفته و موفق در زمینه چگونگی برخورد با اطفال و نوجوانان در معرض خطر؛
- ۷) توجه بیشتر قانونگذار به حقوق اطفال در معرض خطر و ایجاد توازن بین حقوق کلیه اقسام اطفال و نوجوانان.



منابع

- بارانی، محمد (۱۳۹۳). *شویه‌های رفتاری پلیس با کودکان و نوجوانان*، چاپ اول، تهران: انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- بارانی، محمد و جزینی، علیرضا (۱۳۸۸). «سیاست جنایی پلیس در قبال کودکان و نوجوانان معارض با قانون»، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ و نشر حدیث کوثر.
- بارانی، محمد و کشفی، سیدسعید (۱۳۹۱). *نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان-راهنمای عملی پلیس*، تهران: انتشارات معاونت تربیت و آموزش ناجا.
- باقری‌نژاد، زینب (۱۳۸۸). «بررسی تطبیقی نقش پلیس در حمایت از کودکان شاهدجرم در فرآیند دادرسی کیفری»، مجموعه مقالات برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت برای کودکان و نوجوانان، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا، چاپ و نشر حدیث کوثر.
- برهانی، محسن و زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۳). «تقریرات درس جرم‌شناسی (عدالت ترمیمی)» جزوات درسی دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی.
- بکاریا، سزار (۱۳۷۴). *رساله مجازات جرایم و مجازات‌ها*، ترجمه: محمدعلی اردبیلی، چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- پرادل، ژان (۱۳۸۹). *تاریخ اندیشه‌های کیفری*، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: سمت.
- حداقل قواعد معیار سازمان ملل متحد برای اجرای عدالت نوجوان (قواعد پکن).
- حیدری، الهام و صفری کارودی، عابدین (۱۳۸۸). «جایگاه پلیس در حمایت از اطفال بزه‌دیده»، مجموعه مقاله‌های برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت کیفری برای کودکان و نوجوانان، دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا.
- حیدری، علی‌مراد (۱۳۸۳). *جرم‌شناسی (انحراف)*، تقریرات درس جرم‌شناسی دکتر نجفی ابرندآبادی، مجتمع آموزش عالی قم.
- زهر، هوارد (۱۳۹۰). *کتاب کوچک عدالت ترمیمی*، ترجمه حسین غلامی، چاپ سوم، تهران: نشر مجد.
- غلامی، حسین (۱۳۹۰). *عدالت ترمیمی*، چاپ دوم، تهران، نشر سمت.
- غلامی، حسین (۱۳۹۲). «الگوها یا گونه‌های عدالت کیفری اطفال. آموزه‌های حقوق کیفری»، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۶، پاییز- زمستان.

- قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب سال ۱۳۹۲.
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۸.
- قانون تشکیل دادگاه ویژه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸/۰۸/۲۷.
- قانون مدنی مصوب سال ۱۳۶۱-الحاقی سال ۱۳۷۰
- کشفی، سیدسعید و اصانلو، علی (۱۳۹۰). «پیشگیری انتظامی از بزهکاری اطفال و نوجوانان»، نشریه پلیس زن، سال پنجم، شماره پانزدهم، پاییز و زمستان.
- کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۴)، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نظام قضایی ایران (ضرورت‌ها و کارکردها). تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه
- لازرژ، کریستین. (۱۳۷۵). سیاست جنایی، برگردان: علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ نخست، تهران: یلدا.
- لایحه حمایت از کودکان و نوجوانان.
- معظمی، شهلا (۱۳۹۴). بزهکاری کودکان و نوجوانان، چاپ یازدهم، تهران: نشر دادگستر.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۸۷). سیر تحول قوانین کیفری حمایتی کودکان و نوجوانان در حقوق ایران، تهران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۳-۶۲.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و جوادی، حسین (۱۳۹۵). الزامات و سازوکارهای تشکیل پلیس اطفال و نوجوانان (مطالعه تطبیقی: حقوق آمریکا). تهران: پژوهشکده حقوقی شهر دانش، شماره ۵.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳). پیشگیری عادلانه از جرم، علوم جنایی، مجموعه مقالات به مناسبت نکوداشت دکتر آشوری، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- Andre J. Bannister; David L. Carter ; Joseph Schafer. (۲۰۰۱). A national police survey on the use of juvenile curfews, , ۱۰, ۱۰۱۶/S۰۰۴۷-۲۳۵۲(۰۱)۰۰۰۸۷-۳, ۲۳۳-۲۴۰.
- Chesney-Lind, Meda. (۲۰۱۰). "Young Women in the Arms of the Law," Paper presented at the National Conference, Changing Values: Teenage Women in the Juvenile Justice System, Tucson, Arizona, November ۳-۶.
- Ennett, N, Tobler, C, Ringwalt, R, Flewelling, L. (۱۹۹۴). How effective is drug abuse resistance education? A meta-analysis of Project DARE outcome evaluations, September; ۸۴(۹): ۱۳۹۴-۱۴۰۱.
- Friedman, W, Lurigio, A. J., Greenleaf, R., & Albertson, S. (۲۰۰۴). Encounters between police officers and youths: The social costs of disrespect. *Journal of Crime and Justice*, ۲۷(۲), ۱-۲۵.



- Hazel, N. (۲۰۰۸). Cross-national comparison of youth justice. London: Youth Justice Board
- Johnson, I. M. (۱۹۹۹). School violence: The effectiveness of a school resource officer program in a southern city. *Journal of Criminal Justice*, ۲۷(۲), ۱۷۳-۱۹۲.
- McDOWALL DAVID, BRIAN WIERSEMA, and COLIN LOFTIN . (۲۰۰۰). A Comparison of Supplementary Homicide Reports and National Vital Statistics System Homicide Estimates.
- Mc Laughlin, E., Muncie, J., (۲۰۰۳). *The Sage dictionary of criminology*, Sage Publication, ۳th ed, London,
- Melissa Sickmund Howard N.(۲۰۰۶). Snyder Eileen Poe-Yamagata Juvenile Offenders and Victims: Update on Violence.
- MORASH, M. (۲۰۰۷). Establishment of a Juvenile Police Record:. *Criminology*, ۲۲: ۹۷-۱۱۱. doi:۱۰,۱۱۱۱/j.۱۷۴۵-۹۱۲۵,۱۹۸۴.tb۰۰۲۹۰.x.
- Reynolds, K. M., Seydlitz, R., & Jenkins, P. (۲۰۰۰). Do juvenile curfew laws work? A time-series analysis of the New Orleans law. *Justice Quarterly*, ۱۷(۱), ۲۰۵-۲۳۰. doi:۱۰,۱۰۸۰/۰۷۴۱۸۸۲۰۰۰۰۹۴۵۳۱.
- Sanborn, Jr., Joseph B. and Anthony W. Salerno (۲۰۰۵). *The Juvenile Justice System: Law and Process*. Los Angeles: Roxbury Publishing Company.
- Sherman, L, Gottfredson, D, MacKenzie, D, Eck, J, Reuter, P and Bushway, S. (۱۹۹۷). *Preventing Crime: What Works, What Doesn't, What's Promising* (Washington, DC: US Department of Justice.
- Sherman, L. & H. (۲۰۰۷). *Strang, Restorative Justice; The Evidence*, Smith Institute Pub.
- Toews, Barb. (۲۰۰۷). *The Little Book of Restorative Justice for People in Prison*, Good Book Pub.
- Trojanowicz & Bucqueroux. (۲۰۰۷). Robert C. And Bonnie Bucqueroux. *Community Policing: A Contemporary Perspective*. Cincinnati, OH: Anderson.
- Wolfgang, M. E., Figlio, R. M., & Sellin, T. (۲۰۰۹). *Delinquency in a birth cohort*. Chicago: University of Chicago Press.
- Zehr Howard, Chnging, Lenses: A New Focus For Crime and Justice Scottdale, Pennsylvania: Herald Press ۱۹۹۰/۶۵.